



نشریه فرهنگی سیاسی صنفی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی فسا

سال سوم، شماره چهاردهم، هفته دوم خرداد ۹۸

صاحب امتیاز: کانون کفا مدیرمسئول: محمد راسخی سردبیر: حسین نوروزی صفحه آرا: محمد راسخی نویسندگان: الهه استوار، امیرحسین حسینی، امین دخیلی، سمانه دهقان، محمد راسخی، سعید رحیمی، میلاد زارع، یاسمین ذوالقدر، فاطمه سعیدی زاده، فاطمه شریعتی، امیررضا صفوی نژاد، محمد طاطی و دکتر کوهپایه عضو هیئت علمی دانشگاه ع.پ. فسا نویسندگان دیگر: خود عمایندار، متحجر روشن فکر، K-1332!!! همکاران: امیررضا اسماعیل زاده، امیرحسین رحیمی، علی نکوئیان، حسین نوروزی، سیدیحیی هاشمی راه های ارتباطی: فضای مجازی: @kafa_fums تلفن همراه: ۰۹۳۷۹۲۳۵۶۱۶



۱۸ ماه ۵,۴ جواب منفی!

استانداردهای آموزشی فقط برای رشته پزشکی تدوین شده!

دنبال روش های دیگری غیر از سامانه سما برای ارزیابی اساتید هستیم.

نشریات، منافع ملی را در نظر بگیرند

از خوابگاه تا کتابخانه ۳

۲ گزارش از دزدی های خوابگاه و مشکلات کتابخانه دانشگاه

سیاست: انقلابیسم ۲۱

فرهنگ: امام هفتم شیدا تکذیب کردند ۲

طنز: دپرسشنی از نوع امتحانات ۷

طنز: لحظات ملکوتی ۷

ادبی: سفری از خود من تا خود من ۷

فرهنگ: معرفی رمان «پس از بیست سال» ۸

عکس: بدون شرح - تیتربا شما ۸

به همراه «یادداشتی از دکتر کوهپایه در

مورد نسبت روزه و علم» ۶

و «یادداشتی از متحجر روشن فکر»!

مردم در حکومت اسلامی غریبه نیستند» ۶



ویژه نامه
ارتحال
امام خمینی (ره)

اینجا گفتند که همه ی نظرات دانشجویی در این جلسه انعکاس ندارد؛ تا حدودی راست میگویند. خب این جلسه برای تشکلهای انقلابی است." (۹۵/۰۴/۱۲) (KHAMENEI.IR)

این خوانش از سخنان رهبری از نظر نگارنده محل اشکال است. حضرت آیت الله خامنه ای چند هفته قبل از این دیدار شاخص های انقلابی بودن را تبیین می کنند. ضمن این صحبت ها ایشان گله ای را نیز می کنند. اینکه لازم نیست این شاخص ها در همه به یک اندازه اثرگذار باشد تا به فرد بگوییم انقلابی! " این هم خطا است که ما از همه ی کسانی که انقلابی هستند، یک نوع عمل انقلابی توقع داشته باشیم ... ممکن است یک نفر نسبت به مفاهیم انقلاب و عمل انقلابی بهتر حرکت کند، یک نفر به آن خوبی حرکت نکند اما در همان راه دارد حرکت میکند. اینکه ما هرکسی خوب حرکت نکرد یا به طور کامل حرکت نکرد را متهم بکنیم به غیر انقلابی یا ضد انقلابی این هم خطا است ... مهم این است که آن شاخص ها تطبیق بکنند. مهم شاخص ها است. مهم این است که آن کسی هم که با آن شدت و با آن جدیت حرکت نمیکند، شاخص های انقلابیگری را داشته باشد. اگر این شاخص ها وجود داشت، آن وقت طرف انقلابی است" (۹۵/۰۳/۱۴) (KHAMENEI.IR)

ایشان در این دیدار ۵ شاخص را برای انقلابیگری مطرح می کنند که در هر کسی باشد انقلابی است. ادامه در صفحه بعد

یادداشت هفته

محمد راسخی

انقلابیسم!

چند روز پیش دیدار دانشجویان با رهبر انقلاب برگزار شد. پاشنه آشیل مراسم اما، کنسل شدن سخنرانی مهرداد پولادی دبیر انجمن اسلامی دانشگاه تهران (اصلاح طلب) بود. همین اتفاق، شروع واکنش های متفاوت و متضادی شد خصوصا از بین بچه های حزب اللهی. عده ای به سرعت در حمایت از مهرداد پولادی سخن گفتند. برای نمونه مهدی بختیاری مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه تهران در توییتری نوشت: "در این یک سال گذشته که مسئولیت بسیج دانشگاه تهران را برعهده داشتم، مهرداد پولادی مسئولیت انجمن اسلامی را بر عهده داشت و از نظر تفکر سیاسی کاملاً در تضاد همدیگر هستیم. اما دیروز که فهمیدم بعضی از آقایان که فهم صحیحی از ماجرا ندارند، سخنرانی ایشان را در دیدار دانشجویی لغو کردند، ناراحت شدم." (IRNA.IR)

عده ای در مقابل اما گفتند دیدار رهبری با دانشجویان، جای همچنین افرادی نیست. برای اثبات این ادعا به سخن رهبری متمسک شدند "این برادرمان هم

به گفتار امام و کردار امام اهتمام بورزید. این صحیفه‌ی امام را جوانهای عزیز ما بخوانند و با آن انس پیدا کنند" (همان)

نگارنده نمی‌خواهد قضاوت کند که فلان تشکل انقلابی است یا نه یا حق اصلا با کدام طرف (ابتدای نوشته) است.*. این نوشتار می‌خواهد یادآوری کند که دیدگاه رهبری نسبت به انقلابی بودن، گرچه دارای مرزبندی شفاف است اما تنگ‌نظرانه و سختگیرانه نیست.

* ولی سفت و سخت معتقد این گزاره که «دانشجویان اصلاح‌طلب امروز کشور لزوماً غیرانقلابی‌اند» غلط است!

ادامه از صفحه قبل (۱) پایبندی به مبانی و ارزشهای اساسی انقلاب (۲) هدف‌گیری آرمانهای انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آنها (۳) پایبندی به استقلال همه‌جانبه‌ی کشور (۴) حساسیت در برابر دشمن و کار دشمن و نقشه‌ی دشمن و عدم تبعیت از او (۵) تقوای دینی و سیاسی. (همان)

رهبر انقلاب پس از بیان این شاخص‌ها به شرح مختصر هر یک می‌پردازند که در اینجا مجال ذکر آن نیست. پس از شرح شاخص‌ها نکته دیگری را رهبری ذکر می‌کنند که خواندن آن مخصوصاً با توجه به مناسبت این روزها خالی از لطف نیست: "در همه‌ی این شاخصهایی که گفتیم، امام در بالاترین رتبه قرار دارد.

امام هفتم شدیداً تکذیب کردند!

لزوم پاسخگویی مدیران دولتی و حسابرسی از آنها

تقاطع انقلاب

خودعمارپندار

به شایعه نمی‌شود و سر از بی‌بی‌سی در نمی‌آورد! منی که مدیر فلان مجموعه فرهنگی یا اجتماعی یا سیاسی هستم می‌فهمم قرار است روزی جواب بدهم و آخر سال کسی عملکرد یکساله‌ام را ارزیابی کند! اگر کسی باشد که از نهادها و ارگان‌ها و مدیران سوال کند و بی‌تعارف و شوخی جواب خواهد! اگر کسی سوال کند که بسیج دانشجویی در طول یکسال چه خروجی داشته است و یا چه کار کرده است یا فلان تشکل اسلامی با بودجه‌ای که در اختیار داشته است چه کار کرده و در برابر وظایف و امکاناتی که داشته چقدر موفق بوده است!

اگر کسی بپرسد چرا بعضی مدیران مملکت سالهاست که با هر طیف سیاسی کار کردند که هم چپ‌چپ بودند و هم راست‌راست و در عین حال همه مشکلات را هم آفریده‌اند! همین پرسش‌ها و پرسشگری‌هایی از این دست کافی است و بقیه سوالات طلب ما و هفت پشت و هفت پس ما.

هیچکس نخواهد پرسید چه کسانی امام مظلوم را مجبور کردند تا تاوان کوتاهی و ناشیگری همه را یکجا بدهد و در غربت و تنهایی جام زهر را سر بکشد! هیچ کس نخواهد پرسید چرا دستورالعمل‌های عمیق و دقیق رهبر انقلاب اینگونه به بازی گرفته شد و وجدان کار و انضباط اجتماعی از تابلوهای راهنمایی و رانندگی سر در آورد!

اگر کسی خود را عاشق سینه چاک انقلاب و معتقد پروپاقرص نظام بداند در هر مجموعه‌ای برای بقا و رشد و ترقی آن بخش و در مجموعه‌ی کل نظام برای حفظ و تقویت آن به محاسبه‌ای سخت و جدی ایمان خواهد داشت و الا اگر چون شتری خواب پنبه‌دانه نابودی انقلاب را ببیند آرام می‌نشیند و کوردلانه منتظر می‌ماند تا خطاها و کژی‌ها این بنیان مستحکم و الهی را سست کند.

کردند! بی بندوباری و لاپالایی‌گری و بی قاعده بودن و کار بی حساب و کتاب چه در یک سازمان چه در یک وزارتخانه چه در یک مدرسه، چه در یک موسسه فرهنگی، چه در یک دانشگاه و حتی یک کانون و یک تشکل دانشجویی خلاف مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است.

بر اساس آموزه‌ها و دستورهای این مکتب، در هر نظام و سازمانی که می‌خواهند در مسیر رشد و صلاح باشد این حساب‌کشی و بازرسی ضروری است. یعنی حتی یک کانون یا یک تشکل دانشجویی و یک مرکز علمی و یا حتی یک مرکز تجاری هم برای اینکه دائم محصول مرغوب داشته باشد باید خط تولید خود را کنترل کند و جنس

تکذیب شد!

استاندارد به مصرف کننده عرضه کند. البته بازرس را هم با اسکناس سبز و عیدی نباید خرید و مورد حسابرسی را هم نباید با یک هدیه ارزشمند راضی کرد. اگر این حسابرسی در فرهنگ عمومی ما جایگاهش را پیدا کند و تبدیل به اصل شود خیلی از مشکلات، خود به خود حل خواهند شد.

اگر کسی باشد که بالای سر همه بایستد و با قاطعیت و جدیت از همه سوال کند و همه مجبور باشند به او جواب درست بدهند خیلی از خطاها اتفاق نمی‌افتد؛ اگر خیلی از پرونده‌ها مختومه نشود و سر بسته نماند و ماستمالی نشود کسی باشد که سوال کند! اگر مردم هم که قرار است در راهپیمایی‌ها شرکت کنند و طومار امضا کنند و حمایت کنند و شعار بدهند محرم باشند خیلی از مسائل تبدیل

یکی از آداب فردی مهم و اساسی در اخلاق اسلامی محاسبه نفس است. روایات فراوانی از پیامبر(ص) و ائمه معصوم علیهم السلام نقل شده است و بر این موضوع تاکید فراوان کرده‌اند. برآیند تعالیم دینی و آموزه‌های زندگی جمعی در فرهنگ اسلامی این است که دستورهای مانند محاسبه فقط جنبه شخصی ندارند، بلکه ناظر بر حیات جمعی و روابط اجتماعی نیز هستند.

محاسبه دائم و منظم و حسابرسی جدی و سخت نیز یکی از همین مفاهیم و دستورالعمل‌هاست. زندگی شخصی وقتی بدون حسابرسی پیش برود، آرام آرام انضباط و قاعده‌اش را از دست می‌دهد و رذایل گوناگون اخلاقی چون حسد، دروغ، ریا، غیبت، سخنچینی، ظلم و... در اخلاق فرد رخنه می‌کند و فضایل اخلاقی از زندگی او دور می‌شود. به همین ترتیب، در محیط‌های مختلف نیز اگر محاسبه و ارزیابی جدی و دقیق و دائمی وجود نداشته باشد، مجموعه آرام آرام به خطا و نادرستی عادت می‌کند و انجام تخلفات گوناگون در آن عادی می‌شود.

امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند:

(لَیْسَ مِنْ مَن لَّمْ یُحَاسِبْ نَفْسَهُ..)

تعبیر شدید «لَیْسَ مِنْ» تکلیف‌پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام را مشخص کرده است. یعنی مدعیان یاری و همراهی و دوستی ما چنین هستند و اگر کسی چنین نباشد با ما و از ما نیست. اگر کسی هر روز هم لباس عزای ما را بر تن کند و هر شب هم سفره عزاداری ما را بیاندازد و همه سال را هم در مشهد و کربلا و قم بگذرانند و نام بچه‌هایش را هم حسن و حسین بگذارد و با شنیدن نام ما زارزار گریه کند اما در سلوک اخلاقی و رفتار شخصی‌اش انضباط و قانونمندی و تغییر و حسابرسی نباشد او دروغ می‌گوید و کارت شناسایی‌اش را جعل کرده است.

امام هفتم علیه السلام در واقع انتساب چنین شخص با چنین روحیه‌ای را به خود شدیداً تکذیب

گزارش

گروه گزارشگر کاری نو

دزدی در خوابگاه!

در حاشیه دزدی مایکروفر خوابگاه ولایت



چند ماهی است که مایکروفر خوابگاه ولایت به سرقت رفته است و چند روزی است که مجدداً خریداری شده و برگشته! از چند هفته پیش تا کنون پیگیر پرسش هایمان در این زمینه بودیم.

دزدی های سابقه دار

مدیر امور دانشجویی به ما می گوید بین

چند خوابگاه دانشگاه، ما در مورد دزدی فقط با «ولایت» مشکل داریم! و جاهای دیگر مثل این خوابگاه گزارش دزدی نداشته ایم. آقای حاتمی از دزدی های عجیب این خوابگاه می گوید. به طور مثال، چند سال پیش، پنج شش تا از وای فای های این خوابگاه به سرقت رفت. ماجرای جالبی نیز تعریف می کنند. اینکه چند سال پیش یک فرد از طرف دانشگاه به خوابگاه آمده برای مسائل IT. کیس کامپیوتری که همراهش بوده را در یکی از اتاق ها می گذارد و می رود. بعد، که می آید برای بردن کیس می بیند کیس هست اما خالی! مادربرد و سایر محتویات کیس به سرقت رفته بود! چند تایی از گروه گزارشگر خود ما در خوابگاه ولایت هستیم. بارها وسایل شخصی مان دزدی شده. البته تاکنون نشنیده ایم که به فرض مثال در یک اتاق باز بوده و فردی آمده و وسیله ای را بردارد و ببرد. غالباً سهل انگاری از خود ما هم بوده. وسیله ای را در آشپزخانه جا گذاشته ایم و یک از خدا بی خبری هم آمده و برداشته!

دزد خارج از دانشگاه؟؟

مدیر امور دانشجویی معتقد است این دزدی ها از افراد خارج دانشگاه اتفاق نمی افتد و متأسفانه دزدی ها کار چند دانشجوی است (بهتر است بگوییم دانشجویان!)

خسارت ۳ و نیم میلیونی!

همان زمان -یعنی حدود دو هفته قبل- آقای حاتمی گفتند نامه نگاری ها برای خرید مایکروفر انجام شده. دلیل تاخیر را هم گفتند به عنوان آخرین راه حل به خرید مجدد فکر می کردیم و می خواستیم تلاش مان را برای پیدا شدن دستگاه کرده باشیم. حرفشان منطقی است. زیرا ایشان می گوید دستگاه حاضر زمانی که ما خریدیم ۷۰۰ هزار تومان بود اما حالا شده ۳ و نیم میلیون که انگار باید به اندازه تمام دستگاه هایی که خریدیم خرج کنیم!

سخن پایانی

به نظر می رسد در مورد دزدی های ولایت خصوصاً مایکروفر تا حدودی همه دستگاه ها مقصرند. نمی گوییم خوابگاه های ما نیز بی تقصیرند! باید توجه کرد که در موضعی نیستیم که بخواهیم مقصر را پیدا کنیم اما این تذکر به مسئولین لازم است که بیشتر به فکر باشید! هم در مورد خود مساله دزدی که چرا رخ می دهد و جهت پیشگیری چه کارهای زمینه ای لازم است هم در مورد پس از دزدی که معتقدیم سیستم فعلی کارآمدی لازم را ندارد!

مشکلات مالی

معاونت فرهنگی دانشجویی هم پیگیر قضیه مایکروفر است. این معاونت تقاضای خرید را مطرح کرده بود اما بودجه اش کفاف ۳ و نیم میلیون هزینه را نمی داد لذا خواستار خرید مایکروفر ارزان تری شده بود. تازه با گذاشتن مقداری بدهی روی دست معاونت توسعه!

مشکلات مالی اما فقط برای این معاونت نیست. چند سال قبل دکتر نقدی، برای گذاشتن دوربین در سر در خوابگاه ولایت نامه زده است به حراست و با جزییات خرید که مثلاً فلان مارک بازار خریداری شود. اما به دلیل مشکلات مالی حراست قادر به انجام این کار نیست

مایکروفر پیدا نشد!

از همان روز اول حادثه سرقت تلفنی به حراست اطلاع داده می شود و بچه های حراست هم اتاق های خوابگاه را چک می کنند اما اثری از دستگاه نیست که نیست! البته از نظر معاونت فرهنگی دو اشکال در این پیگیری رخ داده. اول اینکه اتاق های خوابگاه به هر دلیلی کامل و صددرصد تفحص نشدند و دوم اینکه باید همان روز دوربین های خروجی دانشگاه چک می شد. در نهایت دکتر نقدی ما را به حراست دانشگاه هم برای پیگیری های بیشتر ارجاع دادند

طرف دیگر ماجرا

با این اوصاف تصمیم به بررسی و تفحص بیشتر گرفتیم! همه چیز به تامین اعتبار مالی باز میگردد! شنیده ایم که میگویند، پیگیری بهتر از درمان است؟! اگر همان زمان، اعتبار مالی جهت خرید و نصب دوربین خوابگاه تامین شده بود، نیاز به هزینه دوچندان، برای جایگزینی سرقت ها نبود! این تامین اعتبار و بودجه مورد نیاز نیز، ارتباطی با حراست ندارد.

چراغ خاموش!

مشکلات چراغ های سقفی و میزی! کتابخانه

حتماً گذرتان به کتابخانه دانشگاه افتاده اما کمتر توجه کرده اید که در میانه محوطه کتابخانه اکثر چراغ های سقف کتابخانه خراب هستند و خاموش!

تجهیزات مورد نظر در دسترس نمی باشد!

کتابخانه زیر نظر معاونت تحقیقات است. با دکتر قنبری تماس می گیریم و جوابی وضعیت می شویم. ایشان می گوید در قسمت مرتفع کتابخانه متأسفانه تجهیزات لازم جهت تعویض لامپ ها وجود ندارد و پیگیری های ما برای حل این مشکل جواب نداد. لذا جبراً تصمیم گرفتیم با هزینه بیشتر در قسمت مرتفع، میزها رو به مجهز به چراغ کنیم. معاون تحقیقات در ادامه به ما می گوید: البته در سایر قسمت های کتابخانه (بخش های کم ارتفاع) اگر لامپ خرابی را مشاهده کردید به خود مسئولین حاضر در کتابخانه اطلاع بدهید و تالسیسات در این زمینه مشکلی برای تعویض ندارد

کاری نو: این میزهای چراغ دار خود مشکلاتی را دارد که ممکن است فرد اصلاً بی خیال استفاده از آن شود! مهمترینش نور بسیار زیاد در فاصله کم در حدود نیمی از میزها. آقای دکتر ما را در این زمینه ارجاع دادند به مدیریت محترم کتابخانه که به دلایل مختلف من جمله اینکه خودمان در فرجه تشریف داشتیم! موفق به مصاحبه با ایشان نشدیم. انشالله این بماند برای شماره بعد

استانداردهای آموزشی فقط برای رشته پزشکی تدوین شده!

باید استانداردهای آموزشی گروه های پیراپزشکی تدوین شود

این مصاحبه که در راستای پیگیری و پرسش بخشی از مشکلات و سوالات آموزشی دانشجویان و دانشگاهیان، در روز یکشنبه مورخ ۵ خرداد ماه در ساعت ۳ بعد از ظهر و پس از دو بار درخواست از حوزه معاونت آموزشی صورت پذیرفت، با استقبال گروه معاونت آموزشی رو به رو شد؛ به گونه ای که در این پروسه سوالات و پرسش های دانشجویان را با جناب آقای دکتر یوسف غلامپور (فوق تخصص ریه)، جناب آقای دکتر علی خانی (ریاست امور هیات علمی) و جناب آقای دکتر کاظم جوانمردی (دبیر شورای عالی آزمایشگاه ها) در جوی صمیمانه مطرح کرده و پاسخ ایشان را دریافت کردیم.



که قرار بود سفارشی عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی فسا شوند. بسیاری از این اساتید از همشهریان من بودند و لی من در برابر همه این ها ایستادم و در این مدت اساتیدی را (حداقل ۱۰ استاد) به هیات علمی دانشگاه اضافه کردیم که جزء نفرات برتر کشور هستند. از طرفی برای حل شدن مشکلات خود دانشجویان، در دفتر من به روی همه دانشجویانی که طرح و ایده ای برای بهبود وضعیت آموزشی دارند باز است. بارها بوده است که دانشجویان را به صورت گروهی و انفرادی (حتی در روز های تعطیل) در دانشگاه و بیرون دانشگاه ملاقات کرده ام و نظرات آن ها را شنیده ام. با این اوصاف انتظار داریم که در آینده ای نزدیک به وضعیت بهتری نسبت به الان برسیم.

کاری نو: ما از زحمات شما در مورد جذب هیات علمی سپاسگزاریم، اما ممکن است قبل از حضور شما اساتیدی (انگشت شمار) جذب شده باشند که توانایی زیادی در زمینه تدریس نداشته باشند، برای حل این مشکل چه راه کاری دارید؟ در صورت بروز این مشکل استاد نمره کافی را ندارد و باید کنار گذاشته شود که در شرایط فعلی انجام

کشور شد.

کاری نو: شما به عنوان گروه معاونت آموزشی، سطح علمی دانشگاه علوم پزشکی فسا را چگونه ارزیابی می کنید؟

ما برای سنجش این پارامتر متغیر هایی را مانند آزمون کارشناسی ارشد برای رشته های پیرا پزشکی، آزمون جامع علوم پایه و آزمون پیش کارورزی برای گروه پزشکی داریم که در این حوزه ها دانشگاه ما وضعیت مطلوبی دارد. از طرفی ما در سال گذشته مدال برنز المپیاد در حوزه علوم پایه و استدلال بالینی و کسب مقام در جشنواره دانشجویی ایده های نوآورانه آموزشی داشتیم. دانشجویان زیادی با رتبه های برتر در آزمون سراسری، هرساله در این دانشگاه مشغول به تحصیل می شوند. هم چنین در آزمونهای سراسری مثل علوم پایه، تعداد دانشجویانی که موفق به دریافت نمره قبولی نمی شوند نسبت به تعداد کل آن ها در دانشگاه ما کم است. دانشگاه علوم پزشکی فسا دارای رتبه چهارم (نسبت به تعداد دانشجو) در قبولی رشته های تخصص پزشکی است. یکی از دانشجویان ما امسال موفق به قبولی در رشته خیلی خوب تخصص قلب گردید و جزء ۲/۵ درصد برتر کل

چند سال پیش دستور العملی از وزارتخانه مبنی بر تشکیل انجمن های علمی داشتیم که اولین انجمن علمی در دانشکده پرستاری راه اندازی شد. دانشجویان پیراپزشکی در مورد کمبود هیات علمی و امکانات مطالبی راعنوان می کردند و مانیز متناسب با نیاز آن ها این مشکلات را در حد توان بر طرف کردیم.

کاری نو: معاونت آموزشی چه برنامه ای برای ارتقاء سطح علمی دانشگاه دارد؟

ما برای ارتقاء سطح علمی دانشگاه باید دو مؤلفه را در نظر بگیریم، اول استاد و دیگری دانشجو. بنده به عنوان معاون آموزشی در این ۱۸ ماه گذشته به اندازه تمام عمر خود جواب منفی دادم به اساتیدی

از این در این زمینه باید نظر همه دانشجویان را بررسی کرد. بعضی اوقات تعداد کمی از دانشجویان به استادی انتقاد دارند و از ما می خواهند صرفاً بر اساس نظر آن ها استاد را از تدریس منع کنیم. در صورتی که ملاک برای ما نظر اکثریت دانشجویان است. مسئله دیگری که وجود دارد اینکه از نظر بسیاری از دانشجویان استادی خوب است که نمره خوبی بدهد یا رابطه بسیار صمیمی با آن ها داشته باشد و ممکن است در نظرات آن ها شیوه تدریس و سواد او نادیده گرفته شود. به همین دلیل من از همکاران خود خواستم که تحقیقی در زمینه سایر روش های ارزشیابی انجام دهند و نتیجه را گزارش کنند. یکی از اشکالات دیگری که وجود دارد این است که دانشجویان باید در پایان ترم و قبل از دیدن نمرات خود ارزشیابی اساتید را تکمیل کنند. در این صورت دانشجو برای دیدن نمره های خود خیلی سریع و در مواردی، به صورت غیراصولی فرم را پر می کند.

بنده به عنوان معاون آموزشی در این ۱۸ ماه گذشته به اندازه تمام عمر خود جواب منفی دادم به اساتیدی که قرار بود سفارشی عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی فسا شوند. بسیاری از این اساتید از همشهریان من بودند و لی من در برابر همه این ها ایستادم و در این مدت اساتیدی را (حداقل ۱۰ استاد) به هیات علمی دانشگاه اضافه کردیم که جزء نفرات برتر کشور هستند.

کاری نو: تعدادی از اساتید بر این باورند که ارزشیابی سامانه سما ارزش واقعی خود را از دست داده است، نظر شما چیست؟

همه چیز باید مستند باشد و گفته های آن ها باید بر اساس مطالعات حقیقی باشد. مثل این که من در حیطه تخصص خود بدون هیچ شاهد تجربی در مورد تعداد افراد مبتلا به آسم در شهرستان فسا گزارشی بدهم. همانگونه که گفتم با انجام یک نظرسنجی اصولی می توان به پاسخ این سوالات رسید. شایان ذکر است که این نظرسنجی جزء سخت ترین کارهای حوزه آموزش است. بنابراین بدون وجود یک شاهد خارجی نمی توان در مورد کیفیت تدریس یک استاد قضاوت کرد.

کاری نو: شما نشریه می خوانید؟

من عاشق خواندن هستم، یعنی هرچیزی را که ببینم می خوانم؛ ولی خیلی از نشریات به دستم نمی رسد. من انتظار دارم که نشریات جناحی و انفرادی به مواضع و ابعاد مختلف یک موضوع نپردازند و در هر مسئولیتی که هستند منافع ملی را در نظر بگیرند و حقیقت را منتشر کنند.

کاری نو: تعدادی از دانشجویان در رشته های پیراپزشکی بر این باورند که دانشگاه اهمیتی برای رشته های آن ها قائل نیست و امکانات کافی ندارند، نظر شما چیست؟

من این مسئله را قبول ندارم. از همان روز اولی که آمدم اهتمام ویژه ای ورزیدیم در تامین نیازهای دانشجویان غیر پزشکی مثل تجهیز اتاق پراتیک که مورد استفاده سه گروه از دانشجویان پیراپزشکی ما شامل بیهوشی، اتاق عمل و پرستاری است. در این زمینه با همکاری آقای بیژنی تجهیزاتی را از بیمارستان آوردیم و خریداری نمودیم که هزینه تقریبی این تجهیزات بالغ بر ۱۵۰ میلیون تومان شد. نمی گویم کمبود نداریم اما اگر بخواهیم وضعیت اتاق پراتیک را با گذشته مقایسه کنیم، خیلی بهتر شده است. از طرفی باید در نظر گرفت که طول مدت حضور دانشجویان پزشکی هفت سال است که این عدد دو برابر حضور دانشجویان پیراپزشکی است، بنابراین ما تبعیض قائل نیستیم. بخشی از این تفاوت ها مربوط به حضور بیشتر دانشجویان گروه پزشکی در دانشگاه است. همینطور باید استانداردهای آموزشی گروه های پیراپزشکی تدوین شود. ما برای رشته پزشکی استانداردهای پایه دوره آموزش پزشکی عمومی داریم و متناسب با آن ها عمل می کنیم.

چند سال پیش دستورالعملی از وزارتخانه مبنی بر تشکیل انجمن های علمی داشتیم که اولین انجمن علمی در دانشکده پرستاری راه اندازی شد. دانشجویان پیراپزشکی در مورد کمبود هیات علمی و امکانات، مطالبی را عنوان می کردند و ما نیز متناسب با نیاز آن ها این مشکلات را در حد توان برطرف کردیم. امسال به منظور جذب هیات علمی چندین ردیف به مجموعه پیراپزشکی و پرستاری اختصاص یافت به عنوان مثال برای رشته اتاق عمل دو ردیف اختصاص یافت که نتیجه آن، جذب خانم بهمنی به عنوان نیروی فعال در این رشته شد.

امسال سیستم مدیریت یادگیری تحت عنوان نوید راه اندازی شده است که محتوای آموزشی قبل از تدریس به صورت آفلاین در دسترس دانشجویان است و اساتید می توانند از آنها برای یاددهی بهتر استفاده کنند. این امر توسط واحد آموزش مجازی به مدیریت جناب آقای دکتر عطاءاللهی در دست انجام است..

کاری نو: چه راه حلی دارید که ارزشیابی پایان ترم اساتید برای دانشجویان مفید باشد و نتیجه آن را ببینند؟

همانطور که گفته شد نتیجه ارزشیابی در زمینه ارتقای اعضای هیات علمی موثر است. گذشته

این کار بسیار مشکل است. ارزشیابی اساتید شامل ارزشیابی توسط مسئولین، همکاران و دانشجویان می باشد که این یک نظر سنجی جامع و به اصطلاح ۳۶۰ درجه است. این نمره ارزشیابی در ارتقا اعضای هیات علمی نقش دارد. گذشته از این جهت بهبود کیفیت آموزش، اساتید در کارگاه های توانمند سازی اعضای هیات علمی به صورت حضوری و مجازی شرکت می کنند.

کاری نو: در سنوات اخیر بسیاری از شیوه نامه ها و آیین نامه ها تغییر کرده است، آیا در دانشگاه ما نیز اقدامی در راستای ترویج روش های نوین آموزشی صورت گرفته است؟

اجرای شیوه های نوین آموزشی مستلزم داشتن کلاس هایی با جمعیت اندک است اما در اوضاع فعلی و بر اساس سیاست های کلان کشوری، که مبتنی بر نیازهای درمانی است، ما مجبور هستیم در برخی از رشته ها تعداد زیادی دانشجو را بپذیرا باشیم. راه حل ما در چنین شرایطی بر گزاری کارگاه های توانمند سازی اساتید جهت شیوه های نوین آموزشی نظیر small group می باشد. هم چنین امسال سیستم مدیریت یادگیری تحت عنوان نوید راه اندازی شده است که محتوای آموزشی قبل از تدریس به صورت آفلاین در دسترس دانشجویان است و اساتید می توانند از آنها برای یاددهی بهتر استفاده کنند. این امر توسط واحد آموزش مجازی به مدیریت جناب آقای دکتر عطاءاللهی در دست انجام است..

در آزمونهای سراسری مثل علوم پایه، تعداد دانشجویانی که موفق به دریافت نمره قبولی نمی شوند نسبت به تعداد کل آن ها در دانشگاه ما کم است. دانشگاه علوم پزشکی فسا دارای رتبه چهارم (نسبت به تعداد دانشجو) در قبولی رشته های تخصص پزشکی است.

کاری نو: تنها راه حل شما برای بهبود فرایند یادگیری در کلاس های پر جمعیت، تشکیل small group است؟

خیر، یکی از راه حل های ما تشکیل این گروه ای کوچک است. رفورم و اصلاحات برنامه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی فسا مبتنی بر شیوه های نوین مطالعه شده جهانی، دانشجو محوری در یادگیری، یادگیری مبتنی بر حل مسئله، پزشکی مبتنی بر شواهد و روش هایی با رویکرد نوین در آموزش پزشکی در مجموعه ای با صدها ساعت مطالعه بدست آمده است که در آینده مورد استفاده قرار خواهد گرفت. هم چنین قصد داریم که در آینده کلاس های درس پرجمعیت را به دو کلاس تبدیل کنیم. امیدواریم که در آینده و با بر طرف کردن مشکلات مالی و دیگر موانع به این مورد مهم برسیم.

روزه و سلامتی

بُعدی از تأثیرات سلامتی بخش «روزه» که به آن کم توجهی شده

دقت کنیم که مورد نظر ما در این بحث، نقش روزه در سلامت انسان است. وجه تمایز انسان بر حیوان چیست؟ اگر انسان را در حد سلامت جسمی پایین بیاوریم پس تفاوتی در تعریف سلامت ما با سایر موجودات وجود نخواهد داشت؛ اما اگر پذیرفتیم که انسان علاوه بر بعد حیوانی و جسمی، دارای ابعاد روانی و معنوی هم می باشد آنگاه، به عنوان رهبران سلامتی جامعه باید در سلامت معنوی و روانی جامعه هم نقش داشته باشیم. اگر وجه تمایز انسان را عقل بدانیم، آنگاه این عقل باید بتواند زمام غریزه و جسم انسان را در دست بگیرد. آیا اگر زمام عقل انسان در دست غریزه و جسم خواهد گرفت انسان به سلامت واقعی خواهد رسید؟ حال با تجربه خود نقش روزه را در این کنترل و بالتبع آن در سلامت روانی و معنوی انسان وجدان خواهید نمود.

پس در این فرصت کوتاه قصد داشتیم چند نکته را مورد تامل بیشتری قرار دهیم.

۱_ تعریف سلامت انسان

۲_ نقش روزه در ابعاد مختلف سلامت انسان

۳_ نقش دست اندرکاران سلامت جامعه در فهم و درک درست از سلامت مردم و کمک در رسیدن به آن کمال مطلوب

نموده است و مشخص کرد که کاهش دریافت کالری و افزایش فعالیت بدنی منجر به فعال شدن موادی می شود از اشتباهات در نسخه برداری DNA جلوگیری می نماید اما همان گونه که اشاره شد، سلامت فقط از لحاظ جسمی قابل بررسی نیست و سلامت روانی، اجتماعی و معنوی فرد هم در احساس سلامت نقش اساسی دارد.

آیا تاکنون به تأثیر متقابل روان و روح خود بر جسممان اندیشیده ایم؟ بررسی در حیطه ی شغلی افرادی که در دانشگاه های علوم پزشکی یا در حیطه ی سلامت در حال فعالیت هستند چقدر این موضوع مورد دقت قرار گرفته است؟ سلامت روانی، صرفاً به معنای نداشتن بیماری روانی نیست بلکه قدرت تطابق با شرایط محیطی، داشتن عکس العمل مناسب در برابر حوادث زندگی جنبه ی مهمی از سلامت روانی را تشکیل می دهد. سلامت معنوی، یکی از زمینه های عمده ی بیماری ها و مشکلات روانی و عوارض جسمی و اجتماعی آن احساس پوچی بیهودگی و تزلزل روحی است که ناشی از فقدان بعد معنوی در افراد است.

با این تعاریف از ابعاد مختلف سلامتی و تعریف روزه شاید جنبه ی مهمی از نقش روزه در سلامت انسان که کمتر مورد دقت قرار گرفته است همین نقش روزه در تقویت سلامت روانی و معنوی افراد است.

همانطور که از عنوان مشخص است، قرار بر آن است که در خصوص روزه و تأثیر آن بر سلامتی انسان بحث نماییم. قبل از ورود به این بحث لازم است که تعریفی دقیق از هر دو موضوع داشته باشیم تا پس از آن بتوانیم در مورد اثرات متقابل آن دو بر یکدیگر مطالبی را ارائه نماییم.

تعریف روزه: همانگونه که از متون دینی برمی آید روزه یا صیام عملی است که انسان از اذان صبح تا اذان مغرب از چیزهایی که روزه را باطل می کند از جمله خوردن و آشامیدن خودداری نماید.

تعریف سلامت: بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی (WHO) عبارت است از برخورداری از آسایش کامل جسمی، روانی و اجتماعی و معنوی و نه فقط نداشتن بیماری.

در مباحثی که در مجامع پزشکی بیشتر مطرح شده است منظر نظر صاحب نظران معطوف به بعد سلامت جسمی و اثر روزه بر آن بوده است. در این مجال به یکی از عمده ترین دستاوردهای جدید علمی پزشکی اشاره خواهیم کرد و سپس در مورد سایر ابعاد «سلامت و روزه» نکاتی را عرضه خواهیم داشت.

یکی از برجسته ترین دانشمندان جهان در خصوص روند پیر شدن و بیماری هایی همچون آلزایمر و سرطان در تحقیقات خود رابطه بین میزان کالری دریافتی بدن و طول عمر و سلامت را اثبات

اطلاعات کشور را به عنوان حق لایفک مردم تلقی می کند.

خلاصه ای از نامه:

از بنده خدا، علی بن ابی طالب، امیر مؤمنان به نیروهای مسلح و مرز داران کشور پس از یاد خدا

و درود:

«أَلَا وَ إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَنْ لَا أَحْتَجِبَنَّ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا

فِي حَرْبٍ»

آگاه باشید حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم، و کاری را جز حکم شرع، بدون مشورت با شما انجام ندهم، و در پرداخت حق شما کوتاهی نکرده و در وقت تعیین شده آن بپردازم، و با همه شما به گونه ای مساوی رفتار کنم. پس وقتی من مسئولیت های یاد شده را انجام دهم، بر خداست که نعمت های خود را بر شما ارزانی دارد، و اطاعت من بر شما لازم است، و نباید از فرمان من سرپیچی کنید، و در انجام آنچه صلاح است سستی ورزید، و برای رسیدن به حق تلاش کنید...

ادامه دارد ...

این فیلم را ببینید! (لمس یا کلیک کنید)

مردم در حکومت اسلامی غریبه نیستند!

فردین

متحجر روشنفکر

داشته باشد.

فساد، تبعیض و نابرابری محصول نامیمون عدم شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات است. حکومت بدون توجه به این اصل نمیتواند به عدالت اقتصادی و نتایج آن دست یابد و نیز معیار و سازوکاری مناسب و زمینه ساز برای تحقق عدالت اقتصادی است.

سلامت روابط و مناسبات اقتصادی، پیشرفت اقتصادی، دستیابی به اهداف اقتصادی مبتنی بر عدالت، در گرو شفافیت روابط اقتصادی است که انجام این مهم از طرف حکومت، شرط اساسی اصلاح نظام اقتصادی و تحقق عدالت اقتصادی است. هراندازه شفافیت بیشتر و بهتر شود، گستره عدالت بیشتر میشود.

حسن خطام مطلب نامه پنجاه نهج البلاغه است که امام علی علیه السلام به عنوان بهترین الگوی مدیریت جامعه اسلامی دسترسی آزاد مردم به



هدف نگارنده این مطلب علتیابی و ارائه راهکار مناسب برای رسیدن به عدالت اجتماعی و اقتصادی است که با مطالعه و استفاده از مقاله ها و پژوهش های انجام شده حول محور عدالت خواهی می باشد.

نظام اداری هر جامعه، بازوی اجرایی نظام سیاسی محسوب می شود؛ پرداختن به عواملی که موجب بازدارندگی از فساد، در سطوح مختلف نظام اداری می گردد، می تواند کمک به سزایی به نظام سیاسی

متن ادبی (موضوع اجتماعی)

فاطمه شریعتی

سفری از خود من تا خود من!

هیس، آرام قدم بردارید
مردم اینجا خوابند
چشم‌ها را بسته ولی، گوش‌هاشان منتظر است.
که صدایی، که ندایی برسد،
اندکی برخیزند و به آن سو بروند.
آرام قدم بردارید، مبدا مغزها، از رخت غفلت به پایین افتد،
مردم اینجا مغزها را شسته‌اند.
آرام قدم بردارید، نکند دل‌هاشان، درطاقچه‌ی تاریکی، ترکی بردارد
مردم اینجا سینه‌ها را با سنگ، دوخته‌اند.
گرچ دیراست، ولی
من سالهاست که از این آبادی،
به دیاری که در آن مردمش بیدارند،
قصد هجرت دارم.
به دیاری که در آن مردمش دل دارند
که اگر کسی از فقر لبانش خشکید،
هوس غارت اموال یتیمان نکنند
که اگر کسی ناقص به زمین خلق شود
ازسر تحقیر و تمسخر او را، دست نندازند
که اگر رنگ تنش را خالق،
با قلم‌موی سیاه رنگ زده است
دیگران سر به تنش، بگذارند
که اگر زلزله وسیل و تصادف دیدند
دست یاری بدهند و ز سلفی دست بردارند
به خدا من دیدم
چشمهای گریان، رو به درها دیدم
دستهای خالی رو به انسان‌ها دیدم
به خدا من دیدم
کودکی که از فقر خاک میخورد را دیدم، آن طرف‌ها مرغ
بریان دیدم، دست شاهان دیدم
به خدا من دیدم
که چگونه کسی از درد به خود مینالید، من دیدم
دکترش بیکاراست، پول می‌شمارد
من دیدم ز بی پولی جان داد و کسی آخ نگفت
به خدامن دیدم
به خدامن دیدم
ولی مردم این آبادی، چشم را بسته
ولی گوش‌هاشان منتظر است
قصد هجرت دارم، به دیاری که
در آن مردمش بیدارند، مردمش
دل دارند.
آری، باید بروم، کوچ کنم.
اینجا مردمانش خوابند!

طنز دانشجویی

الهه استوار

لحظات ملکوتی

حتی مورد داشتیم طرف رو به جای کتابخونه تو
سواحل هاوایی دیدن...
اما در آخر انگار اون نازنین الاغ 🐐 این چیزا
حالیش نیست 😊 و
از همون روز اول امتحانا
که فرجه‌ها به رحمت
ایزد رفته از خجالت این
بزرگواران در میاد جوری که
دانشجو عزیز هزار بار آرزو
میکنه فرجه‌ها رو برگرده
عقب و خوب خر بزنه.
.. اما باز به خودش قول ترم دیگه رو میده و
این ترمش رو با وجدانی نه چندان آسوده
میبنده 😊.. باشد که ترم دیگه رستگار بشه..



و اما کم کم به لحظات ملکوتی امتحانات داریم
نزدیک میشیم... اما قبل از اون وارد برهه ای از
زمان میشیم که بهش میگن فرجه... حالا این
فرجه چی هست... راستش برای دانشجویها
معنایش ممکنه فرق داشته باشه...
یه عده که خیلی خر عزیز رو می‌زنن و از همون
روز اول شروع میکنن جزوه خوندن که مبدا
هیچ خری رو از قلم بندازن برای زدن...
یه عده که هم که فرجه رو دو قسمت میکنن و
قسمت اولش به رفرش میپردازن و آخرش هم
به گروه اول میپیوندند...
و اما گروه سوم هستن که کلا از اون بر بوم افتادن
و خیلی حامی حیوانات هستن و اصلا لزومی
نمیبینن خر نازنین رو اذیت کنن و باهاش
برخوردی کاملا مسالمت آمیز دارن جوری که
همه کار میکنن تو این فرجه جز درس خوندن

فاطمه سعیدی زاده

دپرسشنی از نوع امتحانات!

آخر سر هم رفتم سالن امتحانات، یه عده که
جلو در کنسرت گذاشته بودن و داشتن انواع
موسیقی های محلی رو اجرا میکردن، یه سری
هم اونطرف تر داشتن تکنیک تقلب دنده
پنج رو کار میکردن تا سر جلسه ازش
استفاده کنن.

مثل جلسه اول کلاس
رانندگی شده بود که
استاده هی دنده‌ها رو یاد
میده...
روی پله‌ها هم که مسابقات
جهانی پرتاب جزوه بود.
هرچه برد پرتاب بیشتر



زیاد شنیدیم که دانشجویان در ایام امتحانات
افسرده و عصبی میشن...
با شنیدن این خبر تصمیم گرفتم یک روز که
امتحان داریم میان دانشجویان رفته و رفتار
اونها رو زیر نظر بگیرم.
صبح با صدای
بلند یکی از
هم‌اتاقیها چنان
از خواب پریدم که سرم
به سقف خورد و حس
کردم اون ستاره‌های
طلایی دارن دور سرم
میچرخن...

بعد از پرسیدن ماجرا فهمیدیم که داخل
لباس‌های هم‌اتاقی عزیز دلمان سوسک یافت
شده...

حالا اوج ریکشن من و بقیه دوستان هم این
بود که از پشت سنگرها مون جزوه‌ها رو از
زوایای مختلف به سمتش پرتاب میکردیم. اما
دریغ از یکیش که به هدف بخوره! تا اینکه
سرپرست اومد و با دمپایی چنان بر سر اون
خدازده کوبید که فکر کنم مرگ مغزی شد.
بعد از آماده شدن رفته ساختمون اصلی تا
بینم واقعا دانشجویان از افسردگی رنج میبرن
یا نه؟

جلوتر دیدم یه عده از بچه‌ها تو صف
وایساده و چنان همدیگه رو هول میدن که بیا
و ببین. نفری یه پنج تومنی هم دستشونه و
میدن به یه نفر تا ازش سوالاتی امتحان همون
روز درس بووووو رو بگیرن...
بعد هم رجال دولتی میفرمان که کار آفرین کم
داریم تو کشور!!!

تشویق حضارم گرم‌تر و عمیق‌تر...
در سالن که باز شد همه هوارزان رفتن داخل
و بعد از دادن ۱۰۲ تا سوال تو شصت مین
(انصافا کنکورم اینجور نبود!!!) عینهو لشکر
شکست خورده برگشتن بیرون.
هرکی میومد بیرون به دوستش میگفت: چطو
بود داداش؟
- با افتخار می‌فتم
+ نوکرتم داداش اصن غصه نداره با اقتدار ترم
بعد برمی‌داریم. نبینم غصه رو...
بعد هم همدیگه رو محکم بغل میکردن و هار
هار میخندیدن و جزوه‌هاشون رو پرت میکردن
و میرفتن!!!
نکته اخلاقی؛ خواهر و برادر عزیز مبارزات
دین‌ستیزانه خودتون رو بذارید برا توییتر و
سر کلاس اندیشه اسلامی مزاحم خواب بقیه
حضار نشید...
برداشت آزاد: عایا واقعا امتحانات دانشجو را
افسرده میکنند؟ (؛)

معرفی کتاب

نویسنده: K-1332

رمان «پس از بیست سال»

نویسنده سلمان کدیور، انتشارات شهرستان ادب



پس از بیست سال یک فرا رمان است. میراثی از حقیقتی بزرگ که در پس تاریخ خاک خورده و آرام آرام جلو آمده و در وجود نویسنده ای تجلی کرده و او، جهانی آفریده، روی کاغذها...

پس از بیست سال فرا رمان است چرا که رسالتی به وسعت تمام تاریخ بشر به دوش می کشد. رسالت رمان، کشف

ناشناخته های زندگی بشر است. بیان واقعیت ها... در جستجوی حقیقت...

اما پس از بیست سال، عمیق تر از این پیش رفته و تاریخ را به شک انداخته! به تردیدی بزرگ دچار!!! تردید تکرار یک تکرار...

پس از بیست سال درک روح زمانه است در بستر تاریخ... آنجا که نویسنده هشدار به بشر نشان میدهد.

پس از بیست سال از واقعیت شام، پرده بر می دارد و آنچنان فوق العاده، فضای شام قبل از صغین را ترسیم می کند که گویی دقیقاً شما آن زمان را تجربه کرده اید.

قصه مردمی دچار سطحی نگری محض... که حاکمان به راحتی مردم را در زمین خود بازی می دهند... زمینی که وسعت آن در زمان جا باز می کند و تاریخ را در نور دیده و می تواند قرن ها جلو بیاورد.

پس از بیست سال قصه عجیب و غریب شک و تردید است در تندباد حوادث؛ که حقیقت در سیاهی شب، در پس تاریکی پنهان می شود.

نویسنده چنان روایت کرده است که من دیگر نمی توانم مردم آن زمان را مذمت کنم که حق، واضح بوده است. چنان فضای تاریخی شام و کوفه، به طرز ماهرانه ای روی کاغذ آمده که تو خود گاهی شک می کنی که حق کیست!

و با «سلیم»، شخصیت اول داستان که همراه شوید، تردیدآمیز ترین حالات عجیب یک حقیقت طلب را درک می کنید که گاهی حتی چنان در معرض سقوط است که گویی فقط انگشتانش به سنگی در ورطه دره محکم گرفته شده تا سقوط نکند.

پس از بیست سال را بخوانید تا هزار و اندی سال این طرف تاریخ، خارج از گود ننشینید و با توهّم، بگویید لنگش کن... گودی که با خلاء های دردناک صفین ایجاد می شود و با خون حسین، پر...



آبنمای تازه ساخته شده ساختمان اداری



در روزهای ابتدایی، درب آبنما بسته بود و گنجشک مذکور برای خروج به پن بست می خورد و در نهایت جان به جان آفرین تسلیم می گوید!

تجربه باشما



روبروی مسجد دانشگاه

بدون شرح!!



ویژه نامه ارتحال
امام خمینی

عشقی از جنس خاک

۲ یک عاشقانه آرام

۳ امام کاخی یا امام خاکی

۳ طلوع بی پایان

۴ هوای گرگ و میش

یک عاشقانه آرام



با تکیه بر تمام این تعاریف، امام (ره) بنا به علم و اندیشه خود، همواره تاکید و توجه ویژه‌ای بر این موضوع داشتند که همسر، همراه و دلسوز و همدم و مشوق مرد است. زن را، همسر را، باید محترم شمرد. باید همواره علاقه را به او نشان داد. نگاه و رفتار امام خمینی نسبت به همسر خود، گواهی بر این ادعاست.

همسر امام در این باره می گوید: ((امام همیشه احترام مرا داشتند، هیچوقت با تندی صحبت نمی کردند. اگر لباس و حتی جای میخواستند، می گفتند ممکن است بگویند فلانی لباس را بیاورد؟ همیشه در اتاق جای بهتر را به من تعارف میکردند، تا من نمی‌آمدم سر سفره، غذا خوردن را شروع نمیکردند. همیشه به بچه ها میگفتند صبر کنید تا خانم بیاید. حاضر نبودند من در خانه کار کنم، امام در مسائل خصوصی من دخالت نمی کردند، یک بار اوایل زندگی‌مان به من گفتند: من کاری به کارهای شخصی تو ندارم، به هر صورت که میل داری لباس بخر و بپوش، اما آنچه از تو میخواهم این است که واجبات را انجام دهی و محرمات را ترک کنی.))

خانم فریده مصطفوی، دختر امام، تعریف می کند که: ((هیچوقت ما ندیدیم ایشان به خانم بگویند فلان کار را انجام بده. خیلی به ایشان اظهار محبت و علاقه می کردند و مقید بودند این اظهار محبت و علاقه را جلوی ما فرزندان هم علنی کنند.

پدرم احترام فوق العاده ای برای مادرم قائل بودند.)) امام خمینی (ره) در کنار تمام وظایف، مبارزات، تعلیم و تعلم ها و راهبری انقلاب اسلامی، بعنوان یک همسر، مرد و پدر نمونه نیز بطور تمام و کمال به وظایف خویش آشنا بودند و نسبت به توجه و ابراز علاقه به همسر و فرزندان اهتمام داشتند. ناگفته نماند که همسر معظم ایشان نیز بعنوان همسری همراه، همدل و صبور، همواره امام را حمایت کردند و با تحمل سختی‌های زندگی، مسیر مبارزات و فعالیت‌های انقلابی امام خمینی را برای ایشان هموارتر ساختند، که به خوبی نشان‌دهنده نقش مهم و تعالی بخش زنان در رشد و موفقیت همسرانشان است.

باشد که با مطالعه و شناخت بیشتر نسبت به شخصیت بزرگوار امام خمینی (ره)، بتوانیم رسالت خود را در جهت آگاهی دادن به نسل های آینده به خوبی به انجام برسانیم.

امام خمینی (ره) در سال ۱۳۰۸ با سرکار خانم خدیجه ثقفی ازدواج کردند، حاصل این ازدواج یک زندگی عاشقانه و خالصانه و سرشار از مهر و وفاداری و لطافت بود.

به گواه تمامی نزدیکان و فرزندان ایشان، عشق و مهر در زندگی این دو بزرگوار همواره عینیت داشته است.

امام خمینی همسر خود را با لفظ "خانم" صدا میکردند. در امور منزل هرگز به ایشان فرمان نمی‌دادند و سختگیری نداشتند. هنگام ورود به هر جمعی، ورود همسرشان را بر خود مقدم میدانستند. امام خمینی در سفرها و در روزهایی که از همسرشان دور بودند، مرتباً و در صورت امکان با ارسال نامه‌ها و هدایایی هرچند کم علاقه و دلتنگی خود را به همسرشان ابراز میکردند.

امام همیشه در پاسخ به این سوال که: شما چرا اینقدر به خانم علاقه دارید؟ می‌فرمودند: ((برای اینکه خیلی وفادار بوده، خیلی فداکار بوده، زجری که خانم کشیده هیچکس نکشیده.)) ایشان همواره به همسر خود میگفتند: ((از من راضی باش، من در حقت خیلی بدی کرده ام.))

امام خمینی (ره) عالمی بزرگ، رهبری مقتدر و سیستم‌داری فرزانه بودند و تاثیر رهبری و منش ایشان در تحولات انقلاب اسلامی، به وضوح نشان‌دهنده علم و فراست ایشان است.

...تصدقت شوم، الهی قربانت بروم، در این مدت که مبتلای به جدایی از آن نور چشم عزیز و قوت قلبم گردیده‌ام، متذکر شما هستم و صورت زیبایت در آینه قلبم منقوش است...

این جملات، بخشی از یک نامه عاشقانه است. از عاشق به معشوق.

نگارنده این نامه با تمام قلب و وجود خود دلتنگ، علاقمند و مشتاق محبوب خویش است. دوباره آن دو خط از نامه را بخوانید...

این دو خط، بخشی از نامه امام خمینی (ره) بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی به همسرشان است.

برجسته ترین، مقتدرترین و بزرگترین شخصیت سیاسی تاریخ ایران، همسرش را نور چشم و قوت قلب خطاب می کند.

بیایید اعتراف کنیم که امام خمینی را شناختیم، یا اگر شناختیم با تقطیع شناختیم.

سخنرانی های شجاعانه و کوبنده و شور و منش انقلابی اش را دیده ایم و شنیده ایم، استقامت و ایمان و اخلاص و مبارزاتش را ستوده ایم، دوستش داریم چون جرئت طوفان و اراده انقلابی بودن را به ما بخشید، یادمان داد که به دست خودمان شرایط را تغییر دهیم و ظلم نبینیم. اما کم لطفی است اگر بگذاریم شناختمان از امام در همین سطح بماند.

من به شما عرض کنم که اگر خدای نخواست، خدای نخواست اسلام در ایران سیلی بخورد، بدانید که در همه دنیا سیلی خواهد خورد؛ و بدانید که به این زودی دیگر نمی‌تواند سرش را بلند کند. این الآن یک تکلیف بسیار بزرگی است که از همه تکالیف بالاتر است، حفظ اسلام در ایران. و حفظ اسلام در ایران به وحدت شاهاست، وحدت روحانی و مردم، مردم و روحانی، ارتشی و ژاندارمری و قوای مسلح ... صحیفه امام، جلد ۱۷، صفحه ۳۸۳

به قلم

فاطمه سعیدی‌زاده

پزشکی ۹۶

امام کاخی یا امام خاکی؟!



سرگرد حسین مرتضایی نقل میکند: به مناسبت دهه فجر، عده ای از مسافران کشورهای خارجی در منزل امام(ره) به دیدارشان رسیدند... یکی از آنان پیرمردی آمریکایی بود که پس از دیدار با امام(ره) شدیداً شروع به گریه کرد. برایش غیر منتظره بود رهبر جامعه اسلامی که تمام دنیا را با یک پیامش میلرزاند چنین منزل محقری داشته باشد و از آنجا این چنین بتواند رهبر جامعه اسلامی حکمرانی کند...

از نظر من این ستون‌های سنگی عظیم کاخ امام(ره) رابه این علت ساخته‌اند که عظمتش را در همین نقش و نگارها نشانند دهند، میخواهند به تو بقبولانند که امام(ره) واقعی را باید توی همین کاخ پیدا کنی...

این روزها، کسانی که از قیل نام خمینی نان میخورند هرگز نمیخواهند مردم، خمینی واقعیشان را بشناسند چون شناخت تاوان دارد و مسیولیت می‌آورد.

خمینی ظلم‌ستیز بود و خوی اشرافی‌گری نداشت اما... خاک قبرش را کاخ کرده‌اند...

میان امام حسینیه ساده جماران با کدخداهای دنیای امروز به اندازه عزت و شرافت دنیای اسلام فاصله است. امامی که جوابش در برابر زیاده‌خواهی‌های مستکبران یک کلمه بود؛

"سیلی" آن که که نگاه غربگرایانه را به نگاه خدا محورانه

اما هیئات را از نجوای حضرت سید علی (مدظله العالی) باید شنید آن زمان که فرمودند؛ "من اجازه نمیدهم..."
"کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهان‌خواران را نمیدانیم ولی هیئات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت نمیکنند..."
صحیفه امام جلد ۲۱-

ترجیح دهد باید هم چشم به راه نسخه ای باشد که کدخدا برایش میپسندد... اگر چنین است پس قاعده نفی سبیل چه میگوید؟ چرا به هیچ مسلمانی اجازه نمیدهد کافران در راه پیشرفت خود مانعش شوند؟ دستور خداوند در مورد آیه "و اعدو لهم ما استطعتم من قوه" چه میشود...
امروزه با اینکه حضرت روح الله در میان ما نیست

به قلم

امیرحسین حسینی

پزشکی ۹۶

طلوع بی پایان!



سرتاسر تاریخ جدید دنیا به پا کردی. جنبشی از جنس بت‌شکنی ابراهیم خلیل الله و بینش حیات‌بخش اولیاء الله در همه ی شب و روز های پیشین...
و آن روز "موعود"...

ایستادن روی پای خود را، ایستادن مقابل نابرابری و زورگویی‌ها را، ایستادن با افتخار با تکیه بر ارزش‌های حقیقی را...
ای تجلی روح خدا در شب‌های تاریک تاریخ، میراث تو ارزشی دارد به اندازه قطره قطره خون جوانان حق‌طلب این مرز و بوم، دریای قطره قطره اشک سوگ آمیخته به شوق مادران فرزندان که جانشان را فدای عقیده نابی کردند که آگاهی‌بخشی تو احیایش کرد...

ما جوانان نسل سوم و چهارم انقلاب روز های بودند را به خاطر نداریم اما اکنون در این لحظات، در این روزهای رمزآلود زمان، یگانه خط مشی‌مان از جنبشی سرچشمه میگیرد که تو در قلب جوانان

درست است که جوانانی امثال من شامگاه ۱۴ خرداد ۶۸ را ندیده ایم، اما روشنی ذهن کنونی ما، ریشه در خورشیدی دارد که در طلوع ۲۲ بهمن ۵۷ در کرانه آسمان‌ها افروختی.

آسمانی نه تنها محدود به ایران، بلکه به گستره نهال اندیشه‌ای که در اذهان آزادی‌خواهان جهان نشاندی.

اماما! شب‌های بعد از رفتنت چه سخت میگذرند، این را هر سال از بغض پدرم هنگام پخش تصاویر عروجت از صفحه تلویزیون میفهمم...

رفتن تو همانا و اشک مظلومان و مستضعفان نیز همانا! همچون پدری دلسوز و مهربان راه و رسم ایستادن را به فرزندان امت محمد(ص) آموختی.

ما اگر دانشگاهمان اداره نشود، کارمان زار است! تمام مسائل به دست دانشگاه است. یعنی این دو تا قطب دانشگاه و روحانی همه مقدرات مملکت تو مشتمل اینهاست. دانشگاهی، دانشجو، چه دانشجوی قدیمی، چه دانشجوی جدید، همه مسائل توی دست اینها باید حل بشود. اینها قوه متفکره یک ملت هستند. اگر دانشگاه را ما سست بگیریم و از دست ما برود، همه چیزمان از دستمان رفته است. صحیفه امام، جلد ۸، صفحه ۱۴۱

به قلم

امیررضا صفوی نژاد

پزشکی ۹۷

هوای گرگ و میش



«در زمان عجیبی قرار داریم. دوری طلوع مجدد حجت الهی است. همان طور که طلوع و غروب خورشید امری تدریجی است، ظهور و غیبت امام زمان هم امری تدریجی است.»

نزدیک به ۱۱۰۰ سال پیش، عصر امام حسن عسکری و حضرت قائم بود که ناگاه با غیبت حضرت مهدی، خورشید هدایت هم غروب کرد. در دوران نواب اربعه ی امام زمان، مردم در میان غروب و اذان مغرب بودند. نمازهای عصر قضا شده بودند و زمانی داشت فرا می رسید که اذان مغرب را بگویند و مردم وارد ظلمات شب شوند.

با فوت آخرین نایب امام زمان، اذان مغرب گفته شد و آخرین نورهای خورشید حق، محو شد. و حالا این مردم بودند و این شب طولانی باطل. این شب طولانی ستم. بعضی‌ها ناامید از آمدن صبح، به خوش گذرانی در این چند ساعت شب پرداختند تا موقعی که نیمه شب عمرشان فرارسید و با نمازهای قضا شده ی مغرب و عشا، به بستر مرگ رفتند. اما بعضی دیگر، برای نماز مغرب قیام کردند و جان فشانی کردند. شیخ مفیدها و میرزای شیرازی‌ها، نمازشان را قبل از نیمه شب خواندند. اما شب، حالا از هر وقت دیگری تاریک تر و ظلمانی تر بود. نیمه شب برآمده بود و دیگر کسی احساس تکلیف نمی کرد. چه کسی در میان این تاریکی برمی‌خاست تا نماز شب حق را ادا کند؟ چه کسی برمی‌خاست تا به یاد مردم بیاورد که: «اندکی صبر، سحر نزدیک است»؟

در این میان، شیخ فضل الله نوری، نماز شب را خواند و مردم در خوابش کردند. مدرس برخاست و نمازی بخواند و اینبار، رضاخان‌ها و تقی‌زاده‌ها و فروغی‌ها او را به خواب فرو بردند. باز کاشانی قیام به نماز شب کرد تا در کنار نواب صفوی و مصدق، اذان صبح را بر گلدسته‌ی مسلمانی فریاد کند. صد حیف از وتری که مصدق در کنار کاشانی نخواست بخواند و امان از پهلوی که نماز نواب صفوی را بر هم زد و باز هم در خواب بردند، کاشانی‌ها را.

کمی بگذشت و با فوت کاشانی، مردمی از جنس ۱۵ خرداد، از خواب بیدار شدند. مردمی که احساس کرده بودند که ممکن است به اذان صبح نزدیک باشند. خمینی، با تلنگری، هر کس را که امیدوار به صبح انقلاب بود، بیدار کرد. مردم بپا خاستند تا پشت سر خمینی، نماز شبشان را ادا کنند. در این تاریکی ستم، در این شب ظلمانی، مردم احساس کردند که باید خودشان برای گفتن اذان صبح برخیزند. چرا که خمینی به یادشان آورد که: «ای مردم، ما خودمان اذان مغرب را گفتیم. ما خودمان با فرو نشاندن خورشید حق و هدایت، باعث غیبت هزار ساله شدیم. همان طور که اذان مغرب دست خودمان بود، اذان صبح نیز دست خودمان است چرا که خداوند فرمود: «خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را که در وجود خودشان است تغییر دهند.» برخیزید تا اذان صبح را بگوییم که همانا پس از اذان صبح، طلوع خورشید مهدیست.»

۱۵ سال تلاش‌ها کردند تا این نماز عاشقانه را به هم بزنند. اما این نماز آنقدر محکم خوانده شد و آنقدر با حضور قلب بود که نه تنها پهلوی نتوانست نماز را به هم بزند، بلکه توده ای‌ها و لیبرال‌ها هم پشت سر امام به نماز شب ایستادند.

در ۲۶ دی ماه ۵۷، سلام نماز شب را دادند و مردم برخاستند و به سمت پشت بام‌ها و مناره‌ها هجوم بردند. بختیار، تمام تلاش خود را برای جلوگیری از این هجوم کرد. اما او کجا و اراده ی یک ملت کجا؟

در ۲۱ بهمن، مردم اولین شعشعه ی آفتاب را دیدند و در ۲۲ بهمن، به اتفاق یکدیگر و به رهبری امام خمینی، اذان صبح را برسرمناره ی انقلاب، سر دادند.

حال اذان صبح گفته شده بود و مردم باید ادای تکلیف می‌کردند. نماز صبح را باید می‌خواندند. مردم می‌دانستند که طلوع آفتاب ولی عصر، همانند اذان صبح دست خودشان است. برای همین در ۸ سال جنگ، نماز صبحشان را خواندند. در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰، نمایندگانشان در مجلس نیز،

نماز صبح خواندند و تا امروز، هنوز عده ای برای ادای تکلیف بپا می‌خیزند.

۱۴ خرداد ۶۸، وقت آن بود که امام از میان مردم برود. او هم نماز شبش را خواند و هم نماز صبحش. اکنون وقت آن بود که برود. وظیفه ی گفتن اذان صبح را به بهترین نحو انجام داد و حالا باید به پیش همان یارانی که در ۱۵ خرداد بیدارشان کرده بود تا شربت شهادت در راه صبح فتح بنوشند، باز می‌گشت. خدا را چه دیدیم، شاید در هنگام طلوع آفتاب او نیز اشعه‌ای از آفتاب بود.

۳۰ سال از رفتن امام می‌گذرد و هوا گرگ و میش است. امام درباری دوران پسا انقلاب گفته بودند: «ما در این زمان، منتظر طلوع خورشیدیم.»

قبل از اذان که هوای جامعه و حکومت تاریک تاریک بود، مردم تاریکی را می‌فهمیدند و می‌دانستند که چیست و به راحتی علیه آن مبارزه می‌کردند. اما امروز و در این هوای گرگ و میش، نمی‌توان فهمید که هوای این جامعه، هوای این حکومت، سیاه گرگ است یا سپید میش. البته بعضی می‌فهمند. می‌دانند که کجای این آسمان گرگ است و باید با آن جنگید و کجای این هوا سپید است و باید آن را تنفس کرد. عده ای هم نمی‌دانند. سخت است در این هوا که اینچنین حق و باطل تشخیص ناپذیر شده اند، راه درست را تشخیص داد. و از آن بدتر آن است که بیدار شویم و عمر را در راه و برای گرگ‌های هوی صرف کنیم و نماز صبح مان قضا شود.

«در ظهور این گونه است که نور حضرت، مثل نور خورشید است که ابتدا صبح صادق را به وجود می‌آورد و بعد فضا را مرتباً نورانی تر و روشن تر می‌شود، تا اینکه خورشید کاملاً ظاهر می‌گردد. معنایش این است که قبل از ظهور، نور آن حضرت باید عالم گیر شود.»

بلی، نماز صبح من و شما، عالم گیر کردن این نور است. حواسمان باشد، نگذاریم آفتاب طلوع کند و نماز ما قضا شده باشد. بیایید با خواندن نماز صبح، طلوع خورشید را جلو اندازیم، چرا که این هم همچون اذان صبح امروز و اذان مغرب دیروز، دست خودمان است. آفتاب دیروز، با ظهور پیامبر اسلام در مکه طلوع کرد. آفتاب امروز را هم ما به قدرت الهی در سرتاسر جهان با ظهور امام زمان به مطلع می‌رسانیم.

نوشته‌های درون پرانتز که به صورت کج نوشته شده، مربوط به کتاب حکومت جهانی خدا از آیت الله محمدصادق حائری شیرازی (رح) است.